

# شکرده‌های ادبی در نقل اخبار تاریخی؛ سانسور، مبهم‌سازی و خلق نقش‌های جدید



محمد کاظم رحمتی

عضو هیئت علمی بنیاد  
دائرة المعارف اسلامی  
(دانشنامه جهان اسلام)

دکتر نصرت نیلساز (تهران: حکمت، ۱۳۹۳) به فارسی ترجمه شده است. بر اساس تحقیقات شتولرمی توان گفت که دست‌نوشته‌ها یا اجزای مکتوبی در قرن اول و دوم وجود داشته که شاگردان در هنگام درس از گفته‌های استادان خود تحریر می‌کرده‌اند. تقریرات اخیر خود اساس درس توسط شاگردان برای نسل بعد بوده است تا هنگامی که چنین روایت‌هایی در نوشته‌های مدون تدوین شده است. شکل‌گیری اشکال مختلف روایت و اسلوب روایت متن مانند نقل به اجازة، سماع، وجاده و دقت‌هایی چون تدلیس و دیگر مطالب نیز همراه با چنین روندی بسط و گسترش یافت.

در این فاصله، یعنی نیمه دوم قرن اول تا نیمه اول قرن سوم، راویان و یا افراد مذکور در سلسله اسناد اخبار تاریخی نقش مهم و فعالی در تنقیح و تدوین اخبار داشته و بیش از یک راوی صرف مطالبی را به تحریر درس‌گفتارهای استادان خود می‌افزوده یا کم می‌کرده‌اند؛ طبعاً گرایش‌های فکری، کلامی و سیاسی نقش مهمی در این روند ایفا می‌کرده است. دلیل اینکه هسته مشترکی نیز در این روایات‌ها، علی‌رغم تفاوت‌های مهم و بارزشان، قابل مشاهده است اکنون توضیح معقولی دارد؛ چرا که از اساس چنین هسته مشترکی وجود داشته، اما در روند انتقال و روایت اخبار تاریخی افراد سلسله سند به شکل فعالی در شکل‌دهی به اخبار نقش ایفا کرده‌اند. به واقع متن‌های تدوین‌شده در نیمه دوم قرن دوم هجری در ادوار بعدی به روایت افرادی که متن‌ها را روایت می‌کرده‌اند شناخته شده بوده و نسخه‌های آثار به روایت شاگردان مختلف یک استاد در دسترس بوده است، اما در ادوار بعدی دست‌کم از اواخر قرن چهارم به بعد با برافتادن روایت‌تحریرهای مختلف یک متن و پدید آمدن متن‌های

متداول‌ترین شکل و شگرد ادبی مورد استفاده مورخان در نقل احداث تاریخی تلخیص اخبار و سانسور بخش‌های حساسیت‌برانگیز آن و گاه مبهم کردن شکل خبر و یا پنهان کردن هویت افراد مشارکت‌کننده بوده است. در کنار چنین شگرد ادبی‌ای، گاه به تعویض و تغییر نقش‌های برخی از شخصیت‌های مذکور در اخبار تاریخی نیز اقدام می‌ورزیده‌اند. به عنوان مثال، عمرو بن عاص همراه با هبّار بن اسود زینب، دختر پیامبر اکرم، را که باردار بود و در کجاوه‌ای بر شتر از مکه قصد هجرت به مدینه داشت آزار دادند که موجب شد تا فرزندش سقط شود. وقتی پیامبر مطلع شد، سخت اندوهگین شد و عمرو بن عاص را لعن و نفرین کرد. ابن عبدالبرّ ماجرای آزار دادن زینب توسط هبّار را نقل کرده، اما از تصریح به نام عمرو بن عاص به عنوان فرد دیگر همراه با هبّار اجتناب کرده و نام او را، به صورت مجهول، «فردی» آورده است. البته مواردی از این دست متعدد است.

در نخستین مواجهات مستشرقان با روایات تاریخی نکته‌ای که توجه آن‌ها را به خود جلب کرد تفاوت‌های متنی میان متن گزارش‌های تاریخی در خصوص یک ماجرا بود. در گام نخست بی‌توجه به اسناد که تصویر روشنی از آن‌ها نبود چنین تفاوت‌هایی ناشی از شفاهی بودن اخبار تاریخی دانسته شد؛ خاصه چنین توجهاتی به روایت‌های سیره‌بیش از موارد دیگر شده بود. اما بعدها مشخص شد که سلسله اسناد اخبار تاریخی نیز اهمیت دارد. اما اکنون در پی تحقیقات گروگر شوئلر در خصوص سنت آموزشی و انتقال آن به صورت مکتوب تصویر بهتری از موضوع می‌توان ارائه کرد که با عنوان شفاهی و مکتوب در نخستین سده‌های اسلامی توسط خانم